

---

## **Investigating the socio-economic factors related to the tendency of elites to migrate and its effects on urban underdevelopment**

**Simindokht Nematollahi**

*Faculty member of Urban Planning Department, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran  
(Corresponding Author). E- mail: nematollahi@iaut.ac.ir*

Migration is the movement of individuals or groups that results in a permanent or long-term change of a person's usual residence. The main purpose of this study was to determine the socio-economic factors related to the tendency of elites to migrate and its effects on urban underdevelopment. This research was applied in terms of purpose and method. The statistical population is all faculty members of Islamic Azad University, Tabriz Branch and the sample size was determined using Cochran's formula of 145 people. The data collection tool was a researcher-made questionnaire. The results showed that, there is a significant relationship between having social status, life satisfaction, having scientific-professional facilities, discrimination in society, job satisfaction, desire to improve income and the tendency of elites to emigrate. If the process and pace of migration proceeds according to this situation, it will have negative social and economic consequences for the country.

### ***Conflict of interest:***

ACCORDING TO THE AUTHOR, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

**Key words:** *Social status, Job satisfaction, Discrimination in society, Immigration Tendency, Elites.*

## بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مرتبط با گرایش نخبگان به مهاجرت و آثار آن بر توسعه نیافتگی شهری

سیمیندخت نعمت‌الهی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۱/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

### چکیده

مهاجرت، حرکت افراد یا گروه‌ها می‌باشد که تغییر دائمی یا طولانی محل اقامت معمولی فرد را به دنبال دارد. هدف اصلی این تحقیق تعیین عوامل اجتماعی- اقتصادی مرتبط با گرایش نخبگان به مهاجرت و آثار آن بر توسعه نیافتگی شهری بود. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و روش آن پیمایش بود. جامعه آماری کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۴۵ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بود. نتایج به دست آمده نشان داد که بین برخورداری از منزلت اجتماعی، رضایت از سطح زندگی، برخورداری از امکانات علمی- تخصصی، وجود تبعیض در جامعه، رضایت شغلی، تمایل به بهبود درآمد و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه معنی‌دار وجود دارد. اگر روند و آهنگ مهاجرت با توجه به این وضعیت پیش برود، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی منفی برای کشور به بار خواهد آورد.

واژگان کلیدی: منزلت اجتماعی، رضایت شغلی، تبعیض در جامعه، گرایش به مهاجرت، نخبگان.

---

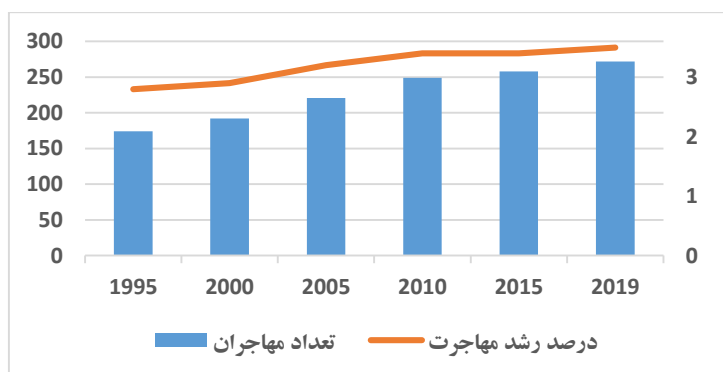
۱. عضو هیات علمی گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

**مقدمه**

مهاجرت نخبگان در میان کشورهای توسعه یافته امری طبیعی و حتی سودمند تلقی می‌شود اما این پدیده در کشورهای در حال توسعه که به طور روز افزون در حال صدور نخبگان خود هستند، مساله مهمی در مسیر توسعه است که می‌تواند آسیب‌های فراوانی برای توسعه شهری به همراه داشته باشد. ایران نیز از جمله کشورهایی است که به طور جدی با این مساله روبرو است. در مفاهیم جدید توسعه از نیروی انسانی به عنوان عنصر اصلی توسعه یاد می‌شود و کشورها و جوامعی ثروت‌مند قلمداد می‌شوند که توانسته باشند به تربیت نیروی انسانی کارآمد و متخصص نائل شوند و این افراد را برای اداره امور کشور به کار گرفته باشند. منابع انسانی بر خلاف منابع طبیعی ماهیت سیال و جابجا شونده داشته و مالکیت بر آن مانند مالکیت بر چاه‌های نفتی یا معادن نیست که به واسطه قرار گرفتن در یک قلمرو جغرافیایی خاص تحت تسلط یک کشور خاص باشند و بر این مبنا بهره‌برداری از منابع انسانی امری بسیار سخت و در عین حال حفظ نیروی انسانی متخصص و نیز استفاده مناسب از این ثروت امری تخصصی است. در دنیای امروز رقابت شدید بر سر تصاحب انسان‌های متخصص وجود دارد و در همه جای دنیا و به طور اخص در کشورهای توسعه یافته همیشه بهترین پیشنهادها و شرایط برای نیروی انسانی متخصص وجود دارد و همواره نخبگان کشورهای توسعه نیافته به عنوان ارزش‌مندترین بخش منابع انسانی این جوامع در معرض اغواگری‌های جهان توسعه یافته قرار داشته و تلاش گسترده‌ای از سوی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیقاتی، شرکت‌ها، کارخانه‌های تولیدی و استارت‌آپ‌ها برای جذب این افراد وجود دارد. پیشرفت کشورها در گرو تربیت انسان‌های کارآمد و به کارگیری قابلیت‌های آن‌هاست. اندیشه انسان‌های خلاق و با انگیزه گنجینه‌ای گران‌بهاست که در صورت توجه و بهره‌برداری درست از آن، توسعه پایدار حاصل خواهد شد. ایران در زمره کشورهای است که مهاجرت نیروهای متخصص آن در حد بالایی قرار دارد. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول کشور ایران رتبه اول را در آمار مهاجرت نخبگان از میان ۹۱ کشور در حال توسعه یا توسعه یافته دنیا کسب کرده است. صندوق بین‌المللی پول گزارش داده است که سالانه حدود ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیل کرده به امید زندگی و یافتن موقعیت‌های شغلی بهتر از کشور خارج می‌شوند که به معنای خروج بیش از ۵۰ میلیارد دلار ارز از کشور است. در تحقیقی، چهارده عامل به عنوان عوامل مؤثر در گرایش اعضای هیات علمی جهت مهاجرت به خارج از کشور مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند که براساس پاسخ‌های به دست آمده، ترتیب اثرگذاری هر یک از عوامل برای موسسه مشخص گردیده است و ماحصل وضعیت در این ۲۸ موسسه نمونه حکایت از آن دارد که در ۹ موسسه ۳۲ درصد عامل حقوق و درآمد، ۲۹ درصد وجود امکانات فراوان در خارج از کشور و کمی امکانات در داخل کشور، ۱۸ درصد وجود مدیران ضعیف، ۷ درصد بی‌توجهی مسئولین به خواسته‌های اعضای هیات علمی ذکر شده است. همچنین مسائلی چون عدم اطمینان به آینده، فشارهای اجتماعی و فرهنگی و تنش‌های موجود در ایجاد گرایش به مهاجرت نقش دارد (۴). البته نباید همیشه به مهاجرت به عنوان پدیده‌ای منفی نگاه کرد. در دنیای امروز به مدد گسترش ارتباطات و ایجاد تنوع و تکثر فرهنگی

شکل تفکر و اندیشه انسان‌ها و نیز انتظارات آن‌ها از جامعه‌ای که در آن متولد شده‌اند و به بلوغ رسیده‌اند دچار تحولات اساسی شده و انسان‌ها به خصوص دسته‌ای از آن‌ها که دارای تحصیلات بیشتر یا میزان دارایی‌ها یا مهارت‌های بیشتری در مقایسه با سایر شهروندان می‌باشند، دارای نگاه دوراندیشانه و یا بلندپروازانه‌تری در مقایسه با سایر افراد جامعه بوده و شرایط موجود جامعه‌ای خاص را متناسب با قابلیت‌های خود تشخیص نمی‌دهند و به دنبال جستجوی فرصت‌های بهتر در جوامع و یا محل‌های دیگری هستند که این خود به نوعی نشان دهنده بالندگی جمعیت و میل به پیشرفت در انسان‌ها می‌باشد؛ اما مسئله زمانی شکل تهدید کننده‌ای به خود می‌گیرد که این مهاجرت به شکل خروج مهارت‌های کمیاب یا ارزش‌مند، دارایی‌ها و ارز و نیز نیروی انسانی متخصصی که برای تربیتش چه در داخل یا خارج از کشور میلیاردها دلار هزینه شده و در موقع رسیدن به بهره‌وری و تولید ارزش افزوده برای جامعه بومی، تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به مسیر رشد و توسعه کشورهای مهاجر فرصت وارد نماید. موضوعی که در رابطه با کشور ایران به شدت صدق می‌کند و آمارهای موجود حاکی از مهاجرت بخش قابل توجهی از نخبگان دانشگاهی و اعضای هیات علمی، مالی و اقتصادی به خارج از کشور در طی سال‌ها و دهه‌های متمادی می‌باشد که به مثابه کم شدن همه ساله بخش عظیمی از ثروت معنوی و اقتصادی ایران می‌باشد و لازم است در خصوص بررسی دلایل این امر بررسی جدی صورت گیرد. برخی از تحقیقات، مهاجرت تحصیل‌کردگان را ناشی از عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌دانند. مقصد اصلی بیشتر این مهاجرت‌ها کشورهای پیشرفته است، به طوری که بیشترین درصد از نخبگان مهاجر، پنج کشور آمریکا، کانادا، استرالیا، فرانسه و آلمان را برای سفر خود بر گزیده‌اند. آن چه که باعث پیشرفت و توسعه یک کشور می‌شود متخصصان و افراد تحصیل کرده (سرمایه‌های انسانی) آن کشور است. مهاجرت که در حقیقت از کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته انجام می‌شود و باعث پیشرفت روزافزون آن کشورها گردیده و موجب عقب ماندگی بیشتر کشورهای توسعه نیافته می‌شود. این پدیده که باعث از دست رفتن سرمایه‌های عظیم انسانی اقتصادی اجتماعی و حتی فرهنگی کشورهای مهاجرفرست می‌شود آنان را از چرخه توسعه باز می‌دارد و گاهی کاملاً خارج می‌سازد. چرخه پدیده فرار مغزها از کشورهای پیرامونی به کشورهای مرکز می‌باشد که این خود برای کشورهای مرکز موجب سود می‌شود که به علت صرفه‌جویی در آموزش متخصصان می‌باشد. تحرک و جابجایی انسان‌ها را نیز می‌توان مصداق قدرت انتخاب و آزادی نوع بشر در نظر آورد. مهاجرت می‌تواند انواعی از سرمایه را اعم از اقتصادی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی برای مهاجرین و خانواده‌هایشان و حتی کشورهایشان به ارمغان آورد. گر چه بسیاری بر این باورند که مهاجرت این نیروها باعث از دست رفتن سرمایه انسانی کشورهای در حال توسعه شده و در بلند مدت توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی این کشورها را به تاخیر می‌اندازد. اما باید در نظر داشت که در بسیاری از موارد بسترهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای مبدأ توان جذب چنین نیروهایی را ندارند و میزان بیکاری بالا و یا اشتغال با کیفیت پایین از یک سو و نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر

باعث هدر رفتن مهارت‌ها و در نهایت خسران و تباهی این مغزها می‌شود. مهاجرت‌های بین‌المللی می‌توانند باعث افزایش درآمد سرانه افراد شده و از طریق ارسال وجوه نقدی رشد اقتصادی را باعث شود. همچنین از طریق انتقال دانش و تکنولوژی باعث انتقال دانش و فناوری به کشورهای خود شوند. در سال ۱۹۹۵ تعداد مهاجران بین‌المللی یعنی افرادی که در کشوری غیر از کشور محل تولد خود ساکن بوده‌اند برابر ۱۷۴ میلیون نفر، در سال ۲۰۰۵ برابر ۲۲۱ میلیون نفر و در سال ۲۰۱۹ نیز ۲۷۲ میلیون نفر بوده است. بر این اساس سهم جمعیت مهاجر از کل جمعیت جهان طی ۲۵ سال اخیر با ۲۵ درصد افزایش از ۲٫۸ به ۳٫۵ درصد رسیده است. ۵۲ درصد این مهاجران را مردان و ۴۸ درصد را زنان تشکیل داده و حدود ۷۰ درصد آن‌ها نیز در سنین ۲۰ تا ۵۹ سال یعنی سنین کار و فعالیت قرار داشته‌اند (IOM<sup>۱</sup>, 2019).



شکل شماره (۱): وضعیت مهاجرت بین‌المللی

منبع: (IOM, 2019).

مهاجرت و فرار مغزها که خود از جهتی معلول عدم توسعه اقتصادی و فقدان وسایل تحقیق و مطالعه در یک جامعه است از جهت دیگر موجب کندی پیشرفت امور اجتماعی در همان جامعه می‌شود و بدین ترتیب علت و معلول اثر متقابل در یکدیگر کرده و دایره معیوبی به وجود می‌آورند که متوقف ساختن آن اشکالات بسیاری در بر دارد. توسعه فرآیند تحولات چشمگیر همه‌جانبه اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی- فضایی و سیاسی کشور است، به نحوی که طی این فرآیند از معضلات و نارسایی‌های همه‌جانبه ملی به نحو بارزی کاسته شود. عواملی از قبیل وجود استبداد و وجود دولت‌های خودکامه، فقدان نهادهای برخاسته از اراده آزاد افراد و بر اساس تمایل آنان، ناتوانی در رقابت با تکنولوژی، پائین بودن تولید سرانه و عدم توزیع عادلانه آن، موانع تاریخی و ساختاری ضعف مدنی و سیاسی در ایران، اعتیاد به مصرف مصنوعات غربی، تداوم اقتصاد معیشتی بر محور خانوار و عقب‌ماندگی فنی آن و از دیدگاهی دیگر مهاجرت نخبگان و متخصصان از عمده عوامل توسعه نیافتگی محسوب می‌شوند. عواقب افزایش گرایش به مهاجرت

<sup>۱</sup>. International Organization for Migration

در میان تحصیل کرده‌ها به شکل کاهش تولیدات علمی و پژوهشی، کاهش توسعه اقتصادی، کاهش کیفیت تولیدات داخلی و کاهش مشارکت اجتماعی تجلی می‌یابد و سبب پدید آمدن ضعف مدیریت در عرصه‌های گوناگون می‌گردد و در نتیجه گرایش به مهاجرت تحصیل کرده‌ها افزایش می‌یابد. از آن جایی که بخش مهمی از مهاجرین را اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها تشکیل می‌دهند، اطلاع از دیدگاه‌ها و نظرات آن‌ها حایز اهمیت می‌باشد. هدف کلی این تحقیق، تعیین عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با گرایش نخبگان به مهاجرت و آثار آن بر توسعه نیافتگی شهری بود. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش نخبگان به مهاجرت کدام‌اند؟

### مبانی نظری

مهاجرت یا کوچ کردن همواره یکی از راه‌هایی بوده است که به انسان در تلاش خود برای سازگاری با محیط و فائق آمدن بر دشواری‌ها کمک کرده است؛ اما اگر جریان در طول تاریخ به عنوان یک وسیله تنظیم خود به خودی منابع و موجودات تلقی شده است، در این دوره، جنبه‌های منفی آن نیز آشکار شده و اثرات اقتصادی اجتماعی حاصل از این جریان در چارچوب اقتصاد توسعه مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر تقریباً می‌توان گفت که مهاجرت هم‌زاد زندگی اجتماعی بشر بوده است. بدین سان که از زمانی که انسان نخستین مرحله معیشتی خود یعنی مرحله گردآوری خوراک را آغاز نمود، برای تأمین معیشت خود از یک سو و جهت ایمن ماندن از گزند حوادث طبیعی از سوی دیگر، ناگزیر از حرکت از مکانی به مکان دیگر بود. انسان در مرحله بعد یعنی مرحله تولید خوراک است که توانست یکجانشینی را اختیار نمود و مکانی ثابت جهت اسکان بیابد. ولی به رغم اسکان عمومی بشر، جمعی از انسان‌ها به دلیل زندگی شبانی همچنان کوچروی را تاکنون ادامه داده‌اند. به هر حال اگر از سرگذشت تاریخی انسان بگذریم، موضوع مهاجرت به دنبال انقلاب صنعتی در اروپا به دلیل تحولات شگرف اقتصادی، اجتماعی، در جوامع آن دیار به عنوان یک مشکل اجتماعی، سر بر آورد؛ اما به دلیل رشد پایین جمعیت در اروپا از یک سو و جذب مهاجران در صنایع نوپا و رو به رشد شهری از سوی دیگر، جابجایی جمعیت، مشکل اساسی برای جوامع آن سامان ایجاد نکرد؛ اما در کشورهای جهان سوم به دلیل رشد سریع جمعیت از یک سو و توزیع نابرابر امکانات و رشد اقتصادی کند و نامتوازن از سوی دیگر، امواج مهاجرت انسان‌ها چه از روستاها به شهرها و چه از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ به عنوان یک مشکل اساسی بروز نمود.

### نظریه جاذبه و دافعه اورت لی

لی در سال ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان «نظریه‌ای درباره مهاجرت» که در مجله جمعیت‌شناسی آمریکا منتشر کرد مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده ذیل تبیین کرد:

(الف) عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و یا بازدارنده)

(ب) عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و یا بازدارنده)

ج) موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد

د) عوامل شخصی (۱۷).

نظریه لی به تئوری عوامل دافعه و جاذبه معروف است و بر آن اساس، در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند. وی وجود امکانات بیشتر آموزشی، اشتغالی و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه به حساب می‌آورد و در مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط‌زیست را از عوامل دافعه محسوب می‌دارد. نکته قوت نظریه لی تأکید درست و به جای او درباره عوامل شخصی است (۱۷). براساس نظریه «لی» این عوامل عبارتند از:

الف) عوامل جاذبه یا برانگیزنده شامل:

عوامل اقتصادی: توسعه اقتصادی، تقاضا برای نیروی کار، امنیت سرمایه و تسهیلات با ساختار پایین  
عوامل سیاسی: دموکراسی اجتماعی، تمرکززدایی، دیوان‌سالاری روان‌تر، سیاست کمک و همیاری  
عوامل اجتماعی و فرهنگی: نظم و قانون، جذابیت‌های تحصیلی و پژوهشی، رفاه بیشتر  
عوامل جمعیتی: باروری پایین، جمعیت فعال پایین، نسبت جنسی نامتوازن.

ب) عوامل دافعه شامل

عوامل اقتصادی: فقر، تورم، فساد مالی و کشمکش‌های اقتصادی، کثرت نیروی کار، حقوق کم برای  
شغل‌های سخت و با مهارت، میزان بالای مالیات  
عوامل سیاسی: تعصب سیاسی، نوع ایدئولوژی، عدم ثبات سیاسی  
عوامل اجتماعی و فرهنگی: پیوند خانوادگی، ازدواج، خواسته‌های تحصیلی، نارضایتی از زندگی، میزان  
جرم و جنایت، عوامل ناگهانی مثل جنگ، آزار و اذیت و شکنجه (۵).

#### نظریه روان‌شناختین

روانشناختین قوانینی را در مبحث مهاجرت مطرح کرده که شامل: ۱. فاصله و مهاجرت، ۲. مرحله‌ای بودن مهاجرت، ۳. تاب‌ها و بازتاب‌های مهاجرت، ۴. ارتباطات و مهاجرت و ۵. برتری انگیزه اقتصادی در مهاجرت می‌باشد. از این رو روان‌شناختین بی‌آن که از سایر عوامل مؤثر بر مهاجرت غفلت کند، بر نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری، رشد و استمرار مهاجرت‌ها تأکید دارد و آن را مهم‌ترین عامل برانگیزنده مهاجرت‌ها می‌داند (۱۷).

**نظریه لاریسا ستاد**

به نظر وی مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد. بازدهی که فراتر از تفاوت درآمد در مبدأ و مقصد مهاجرتی است. براساس نظر وی که به نظریه هزینه-فایده موسوم است، مهاجرت زمانی انجام می‌گیرد که درآمد مبدأ بعلاوه هزینه واقعی مهاجرت کمتر از درآمد قابل انتظار باشد. به نظر وی مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد. بازدهی که فراتر از تفاوت درآمد در مبدأ و مقصد مهاجرتی است، زیرا بر اساس نظریه وی که به نظریه هزینه-فایده موسوم است، مهاجرت زمانی انجام می‌گیرد که درآمد در مبدأ بعلاوه هزینه واقعی مهاجرت کمتر از درآمد قابل انتظار باشد (۱۷). بر اساس این تئوری مهاجرت و دوره بیکاری و کم کاری همراه آن، ممکن است به عنوان یک سرمایه‌گذاری تلقی شود که سرانجام درآمد بالاتر و سطح بالاتر زندگی را برای مهاجرین در بر دارد. این تئوری سرمایه‌گذاری انسانی، دلیل مهاجرت بیشتر جوانان را توضیح می‌دهد، زیرا آن‌ها قبلاً هیچ تجربه‌ای ندارند و فاقد درآمد هستند یا درآمد کمی دارند، به همین خاطر هزینه فرصت آنان پایین است. بعلاوه جوانان پس از یک دوره طولانی‌تر، منافع را جمع می‌کنند. بنابراین فرض اساسی این تئوری، چنین می‌باشد که افراد وقتی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که فایده مهاجرت کردن بر هزینه آن افزونی داشته باشد. فایده مهاجرت در ارزش و درآمد بالقوه پس از مهاجرت در مقایسه با درآمد کنونی می‌باشد.

**نظریه مبادله هومنز**

هومنز کنشگر را یک سودجوی عاقل می‌انگارد. فراگردهای تبادل در سطح فردی و اجتماعی یکی‌اند هر چند در سطح اجتماعی در شیوه ترکیب این فراگردهای بنیادی، پیچیده‌تر است (۱۲). نظریه مبادله هومنز، مهاجرت را نتیجه تعامل افراد با اجتماع در نظر می‌گیرد. در این دیدگاه واقعیت‌های اجتماعی مثلاً آرج قایل شدن به یک متخصص به واکنش‌های فردی می‌انجامد و باعث مهاجرت وی می‌شود. این واکنش‌ها واقعیت اجتماعی دیگری را به بار می‌آورد، یعنی با مهاجرت متخصصان بحران فرار مغزها به جود می‌آید که باعث جمود علمی در کشور می‌شود. در این دیدگاه عاملان به عنوان موجوداتی عاقل و سودجو می‌باشند که اعمال‌شان بر حسب پاداش‌ها و خسارت‌ها انجام می‌شود. وقتی یک متخصص در کشور خود به خواسته‌های مادی و علمی نرسد در پی جبران این خسارت‌ها دست به مهاجرت می‌زند، چون تصور می‌کند که در کشور مقصد به خواسته‌های خودشان می‌رسند که این مهاجرت به دنبال سود بیشتری می‌باشد. انسان‌ها موجودات معقولی می‌باشند و همیشه در موقعیت‌های‌شان با توجه به سود و زیان شخصی می‌باشند و چون رفتار افراد تحت تأثیر موقعیت‌سنجی افراد می‌باشند (یک سری از محرک‌های اجتماعی)، رفتارشان دارای پیامدهایی می‌باشند. وقتی جامعه‌ای نتواند منافع افراد را تأمین کند، این باعث واکنش افراد جامعه می‌شود. واکنش نخبگان اغلب اوقات به مهاجرت منتهی می‌شود که این مهاجرت خود نتایجی را هم برای جامعه مبدأ و



هم مقصد دارد. وقتی نخبگان یک کشور دست به مهاجرت می‌زنند، این باعث می‌شود، ساختارهای جامعه مبدأ دچار تغییر و تحول و در بلندمدت گاهی ضعف شود، مثلاً پیامد مهاجرت بر نهادهای اقتصادی بسیار نمایان است، وقتی نخبگان علمی از کشور خارج می‌شوند سرمایه‌هایی که بر روی آن‌ها سرمایه‌گذاری شده به نوعی از دست می‌رود و همچنین نخبگان در هنگام خروج از کشور، ارز از کشور خارج می‌کنند که این خود در بلند مدت باعث ناتوانی و عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیر ساختاری-اقتصادی می‌شود.

### پیشینه تحقیق

جوادزاده (۷)، در مطالعه‌ای به بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر پدیده مهاجرت نخبگان پرداخته است. عوامل اجتماعی بر مبنای سه متغیر اصلی سبک زندگی، طبقه اجتماعی و ساخت اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین عوامل دافعه مبدأ و جاذبه مقصد نیز در این مطالعه به عنوان متغیر مستقل و مؤثر بر میل به مهاجرت مطالعه شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که بین طبقه اجتماعی و مهاجرت رابطه معناداری وجود ندارد، رابطه بین سبک زندگی ایرانی و مهاجرت معکوس بوده و بین ساخت اجتماعی ایران و مهاجرت نخبگان رابطه مستقیمی وجود دارد. جانعلیزاده چوب‌بستی، علیوردی‌نیا و پورقاضی (۵)، مطالعه‌ای را با هدف بررسی وضعیت تمایل به مهاجرت اعضای بنیاد ملی نخبگان استان مازندران و علل و زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به مهاجرت نخبگان علمی با بهره‌گیری از نظریه «جاذبه و دافعه لی» انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داده‌اند که بیش از نیمی از نخبگان مشارکت‌کننده در این مطالعه (حدود ۵۴ درصد) تمایل به ماندن در ایران داشته‌اند و بیش از یک چهارم آن‌ها میل به مهاجرت بوده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که تمایل به مهاجرت نخبگان علمی به شرایط و عملکرد عوامل اجتماعی در داخل و خارج کشور مربوط می‌شود. از نظر جمعیت مورد بررسی برآیند پایین بودن جاذبه مبدأ و بالا بودن دافعه مبدأ و جاذبه مقصد سبب تمایل به مهاجرت نخبگان است. در میان عوامل کششی، فرصت‌های اشتغال، با اهمیت‌ترین جاذبه‌ای است که پاسخگویان را متمایل به مهاجرت می‌کند و دو عامل نامساعد بودن زمینه برای ادامه تحصیل و پژوهش و عدم قدردانی کافی از نخبگان علمی مهم‌ترین دافعه‌هایی هستند که سبب تمایل به مهاجرت این نخبگان می‌شوند. صالحی عمران (۱۳۸۵)، در تحقیقی به بررسی نگرش اعضای هیات علمی دانشگاه مازندران نسبت به علل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور پرداخته و به دو دسته از عوامل رانشی و عوامل کششی توجه کرد. نتایج تحقیق نشان داده است که عواملی نظیر عدم توجه اجتماعی به ارزش فعالیت‌های علمی، نبود تسهیلات لازم برای پژوهش، پایین بودن حقوق و دستمزد و احساس وجود تبعیض و نابرابری به طور زیاد و خیلی زیاد به عنوان عوامل رانشی در مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور مؤثر هستند. عوامل سیاسی (مانند وجود فشارهای سیاسی و نبود آزادی در ابراز عقیده) اهمیت چندانی در نظر اعضای هیات علمی نداشته است. نتایج این تحقیق همچنین نشان داده است که امکانات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی، ارتقا و رشد علمی و حرفه‌ای، وجود فرصت‌های شغلی بهتر، دسترسی به دستمزد

بیشتر، آسایش روانی و اجتماعی بهتر برای خود و خانواده، علاقه به زندگی در یک جامعه بدون احساس تبعیض و نهایتاً ارتباط بهتر تخصص با نیازهای جامعه خارجی به ترتیب در دیدگاه اعضای هیات علمی به عنوان عوامل کششی قلمداد شده‌اند. حاتمی و همکاران (۳)، در تحقیقی به بررسی علل گرایش به مهاجرت ۱۲۰ نفر از دانشجویان تحصیل کرده مراجعه کننده به مراکز اعزام دانشجویان به خارج از کشور شهر شیراز پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که عواملی نظیر «بیکاری، نداشتن درآمد کافی، برخوردار نبودن از شغل متناسب با رشته تحصیلی، نبود فرصت‌های شغلی مناسب، نبود امنیت شغلی، نبود امکانات، بحران‌های اقتصادی، نبود امکانات علمی، پژوهشی و آزمایشگاهی، کمبود استادان متخصص، توجه نکردن به خواسته‌های افراد تحصیل کرده و رعایت شأن علمی آنان، نبود موفقیت در مقاطع تحصیلی بالاتر، محدودیت آزادی فردی» به گونه‌ای معنادار به عنوان عوامل رانشی در مهاجرت دانشجویان دختر به خارج از کشور مؤثرند. همچنین «توزیع شغل بر اساس مهارت‌های افراد، مناسب بودن درآمد، نظم و ثبات اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت، سطح علمی بالاتر، بهاء دادن به نوآوری، امکانات و خدمات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی، تساوی حقوق زن و مرد» در دیدگاه دانشجویان به عنوان عوامل کششی نام برده شده‌اند. جانتین، فلاحی و سیفی (۷)، در پژوهشی به مطالعه عوامل مؤثر بر مهاجرت از ۱۵ کشور توسعه یافته عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و ۱۴ کشور در حال توسعه به ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۰۸ پرداختند. نتایج نشان داد که فاصله میان کشور مبدأ و کشور مقصد، برای هر دو گروه از کشورها منفی و معنی‌دار است؛ لذا با افزایش مسافت میان کشورهای مبدأ با کشور آمریکا حجم مهاجرت به این کشور کاهش می‌یابد. میزان عرضه نیروی کار در کشور مبدأ، برای کشورهای در حال توسعه معنی‌دار و مثبت است؛ اما برای کشورهای توسعه یافته معنی‌دار نیست. متغیر شکاف تکنولوژی برای کشورهای توسعه یافته، منفی و معنی‌دار و برای کشورهای در حال توسعه، مثبت و معنی‌دار است. در هر دو گروه از کشورها، افزایش نرخ سرمایه‌گذاری در کشور مبدأ مهاجرت را کاهش می‌دهد؛ اما کشورهای در حال توسعه حساسیت بیشتری نسبت به این متغیر دارند. متغیرهای تفاوت سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ زاد و ولد، شاخص سرمایه انسانی، مهاجرت دو سال گذشته، جمعیت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور مبدأ برای هر دو گروه از کشورها مثبت و معنی‌دار هستند. همچنین، متغیرهای جمعیت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر اندکی در شکل‌گیری جریان مهاجرت دارند. محسنی تبریزی و عدل (۱۰)، در پژوهشی بر اساس بخشی از اطلاعات مأخوذ از پیمایش اعضای هیات علمی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران با هدف «بررسی عوامل روانی-اجتماعی مؤثر بر تمایل اعضا هیات علمی به مهاجرت به خارج از کشور» تدوین و تنظیم شده است. با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق را کلیه اعضا هیات علمی رسمی شاغل در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران تشکیل می‌دهد. نمونه آماری تحقیق ۱۲۰ نفر عضو هیات علمی است که بر اساس قواعد تعیین حجم نمونه و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق و نیکویی

برازش مدل نظری نشان می‌دهد که تمایل به مهاجرت به طور معکوس با رضایت شغلی، احساس امنیت شغلی، احساس رضایت از زندگی، درجه مشارکت سیاسی-اجتماعی، سال‌های اشتغال در دانشگاه و عوامل مداخله‌گر رابطه دارد. هم‌چنین تمایل به مهاجرت به طور مستقیم با وضعیت اجتماعی-اقتصادی، عوامل دافعه و عوامل جاذبه همبسته است. نتایج حاصله نشان داد که متغیرهای رضایت شغلی، مشارکت اجتماعی-سیاسی، عوامل جاذبه، سال‌های اشتغال در دانشگاه و عوامل مداخله‌گر به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر انگیزش به مهاجرت اعضا هیات علمی مطرح‌اند. این متغیرها حدود ۴۵ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. و داد هیر(۱۵)، در پژوهشی به تبیین گرایش به مهاجرت به خارج در بین پزشکان پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که پزشکان و پیراپزشکان به دلیل مسائل دافعه در کشور و جاذبه‌های زیاد در کشور مقصد به مهاجرت گرایش پیدا کرده‌اند. از سیاست‌گذاران حوزه سلامت و پزشکی انتظار می‌رود تا برای پیشگیری و مدیریت روند مهاجرت نیروهای متخصص پزشکی، برنامه‌ها و قوانینی شفاف را در خصوص مدیریت و رفع موانع ماندگاری جامعه پزشکی و تقویت جاذبه‌ها تدوین کنند. مقدس و شرفی (۱۰)، در پژوهشی به نگرش اعضای هیات علمی درباره دلایل مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور پرداخته است. جمعیت مورد مطالعه را اعضای هیات علمی دانشگاه مازندران تشکیل می‌دهد. نتایج حاصل از این نظرسنجی نشان داد که عواملی نظیر «عدم توجه اجتماعی به ارزش فعالیت‌های علمی، نبود تسهیلات لازم برای پژوهش، پایین بودن حقوق و دستمزد و احساس وجود تبعیض و نابرابری» به عنوان عوامل رانشی در مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور مؤثر هستند. عوامل سیاسی مانند «وجود فشارهای سیاسی و نبود آزادی در ابراز عقیده» اهمیت چندانی در نظر اعضای هیات علمی نداشته است. نتایج این تحقیق هم‌چنین نشان می‌دهد «امکانات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی، ارتقاء رشد علمی و حرفه‌ای، وجود فرصت‌های شغلی بهتر، دسترسی به دستمزد بیشتر، آسایش روانی و اجتماعی بهتر برای خود و خانواده، علاقه به زندگی در یک جامعه بدون احساس تبعیض و نهایتاً ارتباط بهتر تخصص با نیازهای جامعه خارجی» به ترتیب در دیدگاه اعضای هیات علمی به عنوان عوامل کششی قلمداد شدند.

### فرضیه های تحقیق

۱. بین برخورداری از منزلت اجتماعی و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان رضایت از سطح زندگی و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان برخورداری از امکانات علمی-تخصصی و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.
۴. بین احساس تبعیض در جامعه و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان رضایت شغلی و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.
۶. بین تمایل به بهبود درآمد با گرایش نخبگان به مهاجرت نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.

**تعریف متغیرها****مهاجرت**

اورت لی مهاجرت را «تغییر دائمی یا نیمه دائمی مسکن، بدون هیچ محدودیتی در مورد فاصله حرکت و ماهیت اختیاری یا اجباری مهاجرت، هم‌چنین بدون هیچ گونه تمایزی بین مهاجرت داخلی یا خارجی» تعریف می‌کند. رولان پیرسا مهاجرت را حرکت افراد یا گروه‌ها می‌داند که تغییر دائمی یا طولانی محل اقامت معمولی فرد را به دنبال دارد و دونالد جی- بوگ، مهاجرت را پاسخ ارگانیک انسان به نیروهای اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی در محیط تعریف می‌کند (۱۷).

**مهاجرت نخبگان**

روند عزیمت افراد متخصص و آموزش دیده از یک کشور یا بخش اقتصادی به کشور یا بخش دیگر که غالباً به منظور حقوق و مزایای بهتر یا شرایط بهتر زندگی صورت می‌گیرد (۲).

**منزلت اجتماعی**

منزلت اجتماعی، پایگاه اجتماعی است که فرد در میان یک گروه دارد و یا به مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر گفته می‌شود. به بیان دیگر، موقعیتی که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی- اجتماعی به دست می‌آورد. «ماکس وبر» منزلت را برآوردی مثبت یا منفی از احترام یا پرستیژ پذیرفته شده از سوی افراد یا موقعیت‌ها تعریف کرده‌اند. منزلت، بازتاب دهنده عواملی هم چون منشأ خانوادگی رفتار، تحصیلات و ویژگی‌های مشابه است که دست‌یابی به آن‌ها یا از دست دادن شان سخت‌تر از به دست آوردن یا از دست دادن ثروت اقتصادی است (۱۱).

**رضایت شغلی**

رضایت شغلی احساس مطلوب، مثبت و خوشایندی است که هر فرد از راه ارزیابی شغل خود یا تجربیات شغل خود بدان دست می‌یابد (۱).

**رضایت از زندگی**

مایکالس رضایت از زندگی را تفاوت ادراک فرد از این اشیا چگونه هستند و چگونه می‌توانند باشند تعریف کرده است. سوزا و سانجا رضایت از زندگی را به عنوان تفاوت بین آن چه که شخص می‌خواهد و آن چه که هست بیان می‌کند (۱۱).

### احساس تبعیض

مراد از احساس تبعیض: ادراک ذهن، مقایسه، ارزیابی و نتیجه‌گیری از شرایطی است که کنشگر در می‌یابد که به منابع ارزش‌مند برابر در مقایسه با دیگران دسترسی ندارد (۱۴).

### روش تحقیق

روش تحقیق، پیمایش مقطعی و از نظر هدف، کاربردی بود. داده‌ها به روش میدانی و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شدند. اعتبار وسیله اندازه‌گیری از طریق اعتبار محتوا و اعتبار صوری به کمک و تأیید اساتید راهنما و متخصصین امر تأیید شد. برای ارزیابی پایایی وسیله اندازه‌گیری از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب به دست آمده بالای ۰/۷ بود. جامعه آماری، کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز بودند که بنا بر اعلام دفتر جذب و امور اساتید دانشگاه تعداد آن‌ها ۵۱۵ نفر بود. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه ۱۴۵ نفر تعیین شد. شیوه نمونه‌گیری، طبقه‌ای متناسب با حجم بود.

### یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۱): تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	فراوانی کل	میانگین	مد	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر
برخورداری از منزلت اجتماعی	۱۴۰	۲/۹۰	۲/۵۸	۰/۶۵	۰/۴۲۹	۱/۵۰	۵/۷۵
تبعیض اجتماعی	۱۴۰	۲/۲۶	۲/۲۵	۰/۵۷	۰/۳۲۶	۱	۴/۲۵
برخورداری از امکانات علمی و تخصصی	۱۴۰	۲/۱	۱/۸۷	۰/۶۷	۰/۴۶۲	۱	۵
میزان رضایت شغلی	۱۴۰	۳	۴	۰/۷۷	۰/۶۰۶	۱/۲۵	۵
رضایت از زندگی	۱۴۰	۲/۴۹	۲	۰/۶۵	۰/۴۳۵	۱/۱۶	۴
درآمد	۱۴۰	۲/۴۸	۲/۶۶	۰/۵۷	۰/۳۳۴	۱/۶۶	۴/۳۳
گرایش به مهاجرت	۱۴۰	۳/۵۶	۴	۰/۶۱	۰/۳۸۱	۲	۴/۸۵

جدول شماره (۲): آزمون کولموگروف - سیمونف جهت تعیین نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیرها	کلموگروف-اسمیرنوف	تعداد	sig	نتیجه
برخورداری از منزلت اجتماعی	۰/۰۷۸	۱۴۰	۰,۰۳	غیر نرمال
تبعیض اجتماعی	۰/۱۴۷	۱۴۰	۰,۰۰	غیر نرمال
برخورداری از امکانات علمی و تخصصی	۰/۱۷۹	۱۴۰	۰,۰۰	غیر نرمال
میزان رضایت شغلی	۰/۰۷۵	۱۴۰	۰,۰۰	غیر نرمال
آزادی‌های مدنی	۰/۱۱۱	۱۴۰	۰,۰۳	غیر نرمال
رضایت از زندگی	۰/۱۲۵	۱۴۰	۰,۰۰	غیر نرمال
بهبود درآمد	۰/۰۹۴	۱۴۰	۰,۰۰	غیر نرمال
گرایش به مهاجرت	۰/۱۱۶	۱۴۰	۰,۰۰	غیر نرمال

نتایج آزمون بالا نشان داد که توزیع داده‌ها غیر نرمال است، بنابراین از آزمون‌های ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون من ویتنی و کروسکال والیس استفاده شد.

- بین میزان برخورداری از منزلت اجتماعی و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.

**جدول شماره (۳): ضریب همبستگی بین برخورداری از منزلت اجتماعی و گرایش به مهاجرت**

ضریب همبستگی اسپیرمن	میزان منزلت اجتماعی	میزان گرایش به مهاجرت
برخورداری از منزلت اجتماعی	۱	-.۰۵۳۶**
معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد	۱۴۰	۱۴۰
میزان گرایش نخبگان به مهاجرت	-.۰۵۳۶**	۱
معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد	۱۴۰	۱۴۰

مقدار معناداری کوچک‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد. به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. یعنی بین میزان منزلت اجتماعی و میزان گرایش به مهاجرت رابطه وجود دارد. همبستگی بین دو متغیر ۰,۵۳۶- می‌باشد که این امر بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است.

- بین میزان رضایت از سطح زندگی و گرایش به مهاجرت رابطه وجود دارد.

**جدول شماره (۴): ضریب همبستگی بین میزان رضایت از سطح زندگی و گرایش به مهاجرت به خارج از کشور**

ضریب اسپیرمن	رضایت از سطح زندگی	میزان گرایش به مهاجرت
رضایت از سطح زندگی	۱	-.۰,۲۸۳**
معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد	۱۴۰	۱۴۰
میزان گرایش به مهاجرت	-.۰,۲۸۳**	۱
معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد	۱۴۰	۱۴۰

مقدار معناداری کوچک‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد. به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. یعنی بین میزان رضایت از سطح زندگی و میزان گرایش به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. شدت همبستگی بین دو متغیر ۰,۲۸۳- می‌باشد که این امر بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است.

- بین بر خورداری از امکانات علمی- تخصصی و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.

**جدول شماره (۵): ضریب همبستگی بین بر خورداری از امکانات علمی و تخصصی و گرایش به مهاجرت**

میزان گرایش به مهاجرت	میزان امکانات علمی و تخصصی	ضریب اسپیرمن
** -۰,۴۶۲	۱	بر خورداری امکانات علمی و تخصصی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معناداری
۱۴۰	۱۴۰	تعداد
۱	** -۰,۴۶۲	میزان گرایش به مهاجرت
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معناداری
۱۴۰	۱۴۰	تعداد

مقدار معناداری کوچک‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد. به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. یعنی بین بر خورداری از امکانات علمی و تخصصی و میزان گرایش به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. شدت همبستگی بین دو متغیر ۰,۴۶۲- می‌باشد که این امر بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است.

- بین میزان احساس تبعیض در جامعه و گرایش به مهاجرت رابطه وجود دارد.

**جدول شماره (۶): ضریب همبستگی بین احساس تبعیض در جامعه و میزان گرایش به مهاجرت**

میزان گرایش به مهاجرت	میزان تبعیض در جامعه	ضریب اسپیرمن
** -۰,۳۴۵	۱	میزان احساس تبعیض در جامعه
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معناداری
۱۴۰	۱۴۰	تعداد
۱	** -۰,۳۴۵	میزان گرایش به مهاجرت
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معناداری
۱۴۰	۱۴۰	تعداد

مقدار معناداری کوچک‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد و با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تحقیق تأیید می‌شود، یعنی بین میزان احساس یا وجود تبعیض در جامعه و میزان گرایش به مهاجرت به خارج از کشور رابطه معناداری وجود دارد. شدت همبستگی بین دو متغیر ۰,۳۴۵- می‌باشد که این امر بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است.

- بین میزان رضایت شغلی و گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.

**جدول شماره (۷): ضریب همبستگی بین میزان رضایت شغلی و میزان گرایش به مهاجرت**

ضریب اسپیرمن	میزان رضایت شغلی	میزان گرایش به مهاجرت
میزان رضایت شغلی	۱	۰,۲۸۰**
معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد	۱۴۰	۱۴۰
میزان گرایش به مهاجرت	۰,۲۸۰**	۱
معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد	۱۴۰	۱۴۰

مقدار معناداری کوچک‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد. به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. یعنی بین میزان رضایت شغلی و میزان گرایش به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بر شدت همبستگی بین دو متغیر ۰,۲۸۰- می‌باشد که این امر بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است.

- بین میزان تمایل به افزایش درآمد و میزان گرایش نخبگان به مهاجرت رابطه وجود دارد.

**جدول شماره (۸): ضریب همبستگی بین میزان تمایل به افزایش درآمد و میزان گرایش به مهاجرت**

ضریب اسپیرمن	میزان تمایل به افزایش درآمد	میزان گرایش به مهاجرت
میزان تمایل به افزایش درآمد	۱	۰,۲۶۱**
معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد	۱۴۰	۱۴۰
میزان گرایش به مهاجرت	۰,۲۶۱**	۱
معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد	۱۴۰	۱۴۰

مقدار معناداری ۰,۰۰۱ و کوچک‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. یعنی بین میزان تمایل به افزایش درآمد و میزان گرایش به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. شدت همبستگی بین دو متغیر ۰,۲۶۱- می‌باشد که این امر بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این تحقیق تعیین عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش نخبگان به مهاجرت و آثار آن بر توسعه نیافتگی شهری بود. نتایج به دست آمده نشان داد که بین برخورداری از منزلت اجتماعی، رضایت از سطح زندگی، برخورداری از امکانات علمی- تخصصی، وجود تبعیض در جامعه، رضایت شغلی، میزان



بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی، تمایل به بهبود درآمد و گرایش به مهاجرت به خارج از کشور از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز رابطه وجود دارد و با نتایج تحقیقات انجام گرفته مانند صالحی عمران (۱۳۸۵)، وداد هیر (۱۳۹۸)، مقدس و شرفی (۱۳۸۸)، حاتمی و همکاران (۱۳۹۱)، جهانگیری و فتاحی (۱۳۹۱)، فلاحی و سیفی (۱۳۹۴)، همخوانی دارد. مهاجرت متخصصان و نخبگان یکی از معضلاتی است که بایستی سیاست‌گذاران مدیریت علمی کشور را به خود مشغول بدارد. نیروی انسانی یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های توسعه یافتگی محسوب می‌شود. نیروی انسانی متخصص و ماهر باعث پیشرفت و بهره‌وری بهینه از امکانات و منابع کشورها می‌شود. اگر چه نخبگان مهاجر می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای مبدا خود داشته باشند و می‌توانند منبع ایده‌ها، دانش‌ها و مهارت‌ها، و سرمایه‌های اجتماعی باشند، با این وجود هنوز بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، از مهاجرت نخبگان متضرر می‌شوند. اگر روند و آهنگ مهاجرت با این وضعیت پیش برود، پیامدهای منفی برای کشور به بار خواهد آورد، زیرا پیشرفت کشور و نهادهای آن و استفاده بهینه از امکانات و منابع به دانش نیروی انسانی متخصص و ماهر وابسته است. عواقب افزایش گرایش به مهاجرت در میان نخبگان به شکل کاهش تولیدات علمی و پژوهشی، کاهش توسعه اقتصادی، کاهش کیفیت تولیدات داخلی و کاهش مشارکت اجتماعی و در نهایت به توسعه نیافتگی شهری منجر خواهد گردید.

### پیشنهادها

- به منظور ایجاد انگیزه در اعضای هیات علمی، درآمد متناسب با سطح تورم افزایش یابد و یا از مشوق‌های انگیزاننده استفاده شود.
- به اعضای هیات علمی ارجح، اعتبار و احترام خاصی قائل شود.
- شایسته‌سالاری با تمام وجود در دانشگاه‌ها اجرا شود.
- از معیارهای دانشگاهی که تراز جهانی دارد، در خصوص ارتقا استفاده شود.
- در جذب اعضای هیات علمی و طی کردن پله‌های ترقی تبعیض و نابرابری برداشته شود.
- دولت باید از نظر کارشناسان و متخصصان در اداره امور کشور استقبال کنند.

### تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسنده مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

## منابع

1. Avrideh, Solmaz and Moeini, Seyed Reza. (2006). Survey of job satisfaction of educators and assistants in Guilan province and social factors affecting it in 2006-2007.
2. Ghorchian, Nader; Arasteh, Hassan; Jafari, P. (2004). Encyclopedia of Higher Education, Tehran: The Great Encyclopedia Foundation, Volume II.
3. Hatami, Ali; Jahangir, Jahangiri and Sajjad, Fattahi. (2012). A Study of Factors Related to the Tendency of Educated Girls to Immigrate Abroad; Case Study of Female Students Referred to International Student Sending Centers Journal of Women and Society, Third Year, Second Issue.
4. Jafari Moattar, Fereydoon. (2008). Elite Migration, Institute for Research and Development of Humanities.
5. Janalizadeh Choobbasti, Heidar; Ailverdinia, Akbar; Pourghazi, Shiva. (2014). A Cognitive Society Study of the tendency of scientific elites to emigrate, Culture Strategy, No. 25, Spring 2014.
6. Janalizadeh Choobbasti, Heidar; Aliverdinia, Akbar; PourGhazi, Shiva. (2016). Effective methods in preventing the emigration of scientific elites (Case study: Mazandaran province), Parliament and Strategy, P.p: 119-147.
7. Janten, Goddess; Fallahi, Mohammad Ali; Seifi, Ahmad. (2015). A Study of the Factors Affecting Immigration from Developed and Developing Countries to the United States. Journal of Ferdowsi Social Sciences of Mashhad, No. 25, pages 167-196.
8. Javadzadeh, Pedaram. (2015). Social reasons for the emigration of Iranian elites to American universities. Journal of Cultural Management Summer 2015, No. 28, P.p: 95-112.
9. Mogaddas, Ali Asghar; Sharafi, Zakieh. (2009). Investigating the motivating factors of international migration tendency of 18-30 years old youth in Shiraz and Arsanjan, Sociology of Iran, Volume. 10, Number. 1, Pages 162-190
10. Mohseni Tabrizi, Ali Reza; Adl, Mandana. (2007). A Study of Social Psychological Factors Affecting the Tendency of Faculty Members of Tehran Universities to Immigrate Abroad, Letter of the Iranian Demographic Association, No. 4, P.p: 70-98.
11. Rabbani, Rasoul and Ansari, Ebrahim. (2018). Sociology of social strata and inequalities, 5th edition, position.
12. Ritzer, George. (2003). Theories of Contemporary Sociology, translated by Mohsen Thalasi Scientific Publications.
13. Salehi Omran, Ebrahim. (2006). A Survey of Faculty Members' Attitudes Toward the Causes of Elite Migration Abroad, Sociological Studies, No. 28, P.p: 56-81.
14. Tavalaei, Novin; Fallahpisheh, Akram. (2011). Study of the effect of inequality on cooperation, Iranian Social Issues Quarterly, 2nd year No. 2.
15. Vedadhir, Abo Ali. (2019). Explaining the tendency to emigrate abroad, Medical Society, No. 92, P.p: 23-42.
16. Zakir Salehi, Gholamreza. (2004). Iranian University: An Introduction to the Sociology of Higher Education, First Edition, Tehran: Kavir.
17. Zanjani, Habibollah. (2001). Immigration, Tehran: Samat Publications.